یادداشت روز

دور باطل مذاکره و درس‌هایی که نمی‌گیرند!

تاریخ معلم خوبی است اما برخی از دولتمردان ما شاگردان خوبی برای آن نبوده‌اند. سال ۱۳۸۲ آمریکا پس از اشغال افغانستان؛ بدون اجماع حتی میان متحدان قبلی‌اش، به بهانه دروغین تسلیحات کشتارجمعی، عراق را هم اشغال کرد. همان ایام بود که برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران با هوچی‌گری اروپا و آمریکا و رسانه‌های وابسته‌شان، در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بحث‌برانگیز شد. با مشاهده اوضاع آن روز در غرب آسیا برخی مسئولان جمهوری اسلامی نگران شدند.

مسئولان وقت تصمیم گرفتند برای «رفع اتهام و دفع خطر» با سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس به مذاکره بنشینند. ترس برادر مرگ است؛ این را سال ۱۳۸۲ به چشم دیدیم وقتی پیش از آنکه اروپایی‌ها درخواست مرگ برنامه هسته‌ای ایران را مطرح کنند؛ مسئولان وقت، خودشان را برای خودکشی آن آماده می‌کردند. در خوش‌بینانه‌ترین تفسیر از آن روزها، هراس ناشی از جنگ تیم مذاکراتی ایران را در باتلاق انفعال و وادادگی فرو برد، تا آنجا که معتقد بودند: «اگر اروپایی‌ها گفتند تعلیق برای یک سال، ما باید بگوییم یک سال و نیم، اگر می‌خواهیم موضوع حل شود. یا اگر می‌گویند یک سال مذاکره، ما باید بگوییم یک سال و نیم مذاکره، برای اینکه ایجاد اعتماد کنیم.» اعتمادسازی برای اروپایی که دستش به خون هزاران غیرنظامی در افغانستان آلوده بود و علی‌رغم بازرسی‌های متعدد از عراق، حمله آمریکا به این کشور را با ادعای دروغین وجود سلاح کشتار جمعی، تأیید کرد؛ از همان ابتدا لطیفه‌ای مضحک بود. با این حال تیم مذاکراتی ایران تصمیمش را گرفته بود. ریاست این تیم را «حسن روحانی» بر عهده داشت. آنها معتقد بودند: «ما با سعه صدر تعلیق را بپذیریم تا پرونده ما در آژانس بسته شود، گرچه این‌کار دو سال هم به‌طول بینجامد، در عوض برای همیشه راحت می‌شویم.»

مذاکرات با سه کشور اروپایی بر سر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و تعلیق آن برای اعتمادسازی آغاز شد. مهرماه ۱۳۸۲ در نشست سعدآباد، سه کشور اروپایی با هدف تحمیل خواسته‌شان، ایران را به ترک میز مذاکرات و بازگشت به کشورشان تهدید کردند. مسئولان وقت ایران باز هم ترسیدند و به خواسته سه کشور اروپایی تن دادند. آنها یک قول شفاهی از اروپایی‌ها گرفتند و البته در کمال تعجب این قول را به صورت مکتوب در متن نهائی بیانیه مورد توافق نیاوردند. حسن روحانی می‌گوید: «در جلسه با وزرای اروپایی گفتم که در مقام عمل تعلیق تنها در حد تعلیق گازدهی در نطنز خواهد بود، گرچه عبارت بیانیه کمی متفاوت بود.» شاید مضحک به نظر برسد اما مذاکره‌کنندگان ایرانی با قول شفاهی تروئیکای اروپا (سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس) به پذیرفتن «تفسیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تعلیق» در بیانیه نهائی راضی شدند و آژانس درست در زمان اجرای توافق «تعلیق» را نه فقط «توقف گازدهی به سانتریفیوژهای نطنز» بلکه طبق خواست اروپا به «توقف کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران» تفسیر کرد. حسن روحانی در خاطراتش می‌نویسد: «البرادعی(مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی) بعدا تحت‌فشار اروپا تخلف کرد و آژانس هم با تفسیر جدیدی علاوه‌بر نطنز، قطعه‌سازی و مونتاژ را هم جزء موارد تعلیق اعلام کرد.»

کلیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران به مدت دو سال تعلیق شد. با وجود اینکه تیم مذاکراتی ایران معتقد بود: «گرچه این‌کار دو سال هم به‌طول بینجامد، در عوض برای همیشه راحت می‌شویم.» اما ایران از هیچ چیز راحت نشد. طی این دو سال و تا زمانی که حسن روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی ریاست تیم مذاکراتی را بر عهده داشت، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ۷ قطعنامه علیه ایران صادر کرد و در نهایت پرونده ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داد.

درسی که آن زمان تاریخ به ما داد این بود؛ محاسبات مسئولان وقت ایران غلط است و مذاکرات با سه کشور بدعهد و فریبکار اروپایی نه به «رفع اتهام» منجر می‌شود و نه به «دفع خطر»؛ بلکه کاملا برعکس «اتهام» و «خطر» را تشدید می‌کند. حسن روحانی درباره آن روزها می‌گوید: «[ایران] بارها اقدامات اعتمادساز خود را افزایش داد و تنها در عوض آن، با قول‌های انجام نشده و درخواست‌های بیشتر روبه‌رو شد.»

دولتمردان وقت ایران اما نتوانستند همین درس ساده را فرا بگیرند و محاسبات غلط‌شان را اصلاح کنند، آنها در عوض به این نتیجه رسیدند که به جای اروپا باید با آمریکا مذاکره کرد: «اروپایی‌ها بدون چراغ سبز آمریکا قادر به انجام هیچ کار مهمی نبودند.» «مذاکره با اینها(اروپا) فایده‌ای ندارد، باید با رئیس اینها(آمریکا) مذاکره کنیم.» ۸ سال بعد وقتی آنها باز هم قدرت اجرائی کشور را در دست گرفتند، تجربه شکست‌خورده‌شان را دوباره از همین نقطه ادامه دادند. مذاکره با آمریکا آغاز شد. رؤسای جمهور دو کشور با یکدیگر گفت‌وگوی تلفنی کردند، وزرای خارجه دو کشور در خیابان‌های سوئیس دوستانه قدم زدند و حتی وزیر خارجه وقت با رئیس‌جمهور آمریکا در سازمان ملل دیدار کرد. نتیجه همه این دل‌سپردن‌ها توافقی به نام برجام شد. توافقی که در همان اولین روزها و تنها ۸ ماه پس از اجرایش نقض شد و وزیر خارجه وقت ایران درباره آن نوشت: «قریب هشت ماه بعد از روز اجرا، مهم‌ترین تعهدات ایالات متحده و برخی از طرف‌های اروپایی در رابطه با رفع تحریم‌ها هنوز ایفا نگردیده است.» محمد جواد ظریف در نامه خود به فدریکا موگرینی، نماینده وقت اتحادیه اروپا در سیاست خارجی تأیید کرد که به دلیل نقض عهد آمریکا و تهدیدهایش: «بانک‌ها در عمل اعتصاب کرده و از تعامل مجدد با ایران خودداری می‌کنند.» این روند تا آخرین روزهای حضور آمریکا در برجام ادامه داشت و معاون وقت وزیر خارجه اسفند ۱۳۹۶ درباره آن گفت: «آمریکا تقریبا هر روز تعهداتش در برجام را نقض می‌کند.» دو ماه بعد در اردیبهشت ۱۳۹۷ آمریکا با پاره کردن برجام کار را یکسره کرد.

تاریخ این بار درس تکراری دیگری به دولتمردان داد و آن اینکه اروپا و آمریکا به یک اندازه عهدشکن و غیرقابل اعتمادند؛ اما آنها از فهم این درس ساده هم ناتوان بودند. اینکه دولتمردان وقت تصمیم گرفتند در غیاب آمریکا مسیر خود را با اروپا ادامه دهند اگر چه مثل شوخی به نظر می‌رسید اما اتفاقی بود که کاملا جدی رخ داد. آنها مسیری را انتخاب کردند که سال ۱۳۸۲ بن‌بست بودنش را به چشم دیده بودند. حسن روحانی که پس از چشیدن طعم بدعهدی اروپا در مذاکرات ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ گفته بود: «کاملا روشن شد که اروپا نمی‌تواند در برابر فشار آمریکا بایستد.» و بر همین اساس آمریکا را کدخدا و رئیس اروپا لقب داده بود در تناقضی آشکار کدخدای دیروز را مزاحم امروز خواند و گفت: «یک موجود مزاحم از برجام رفت... برجام منهای آمریکا را با دیگر اعضای ۱+۵ و از جمله اروپا ادامه می‌دهیم.» دو سال دیگر گذشت تا محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت ایران پس از مشاهده کارشکنی و نقض عهد کشورهای اروپایی، آذرماه ۱۳۹۹ خطاب به آنها بنویسد: «به تعهدات‌تان ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل پایبند باشید و نقض برجام را متوقف کنید.» اروپا حتی در سخت‌ترین روزهایی که مردم ایران درگیر همه‌گیری کرونا بودند برای واردات واکسن از طریق کانال مالی مشترکی(SPV-اینستکس) که خودشان راه انداخته بودند، کارشکنی کرد و جان مردم ایران را به بازی گرفت.

تاریخ معلم خوبی است. آن‌قدر خوب که یک درس را چند بار تکرار می‌کند اما اینکه برخی از دولتمردان ما درس‌های صریح، ساده و تکراری تاریخ را باز هم متوجه نمی‌شوند، تأسف‌آور است. کمتر از ۴ سال بعد همان جریان بار دیگر قدرت اجرائی را در دست گرفت. آنها تجربه‌های شکست‌خورده قبلی خود را اصلا به روی مبارک‌شان هم نیاوردند و یک بار دیگر اصرار کردند با مذاکره با آمریکا به اعتمادسازی و رفع تحریم بپردازند! مذاکره با آمریکا دوباره آغاز شد. پنج دور مذاکره غیرمستقیم با آمریکا نه تنها هیچ تحریمی را رفع و یا تعلیق نکرد بلکه حتی مانع از اعمال تحریم‌های جدید هم نشد! پس از پنج دور مذاکره با آمریکا در دولت چهاردهم، واشنگتن بیش از ۳۱۳ تحریم علیه اصلی‌ترین شریان اقتصادی ایران یعنی فروش نفت اعمال کرد. این بار مذاکره با آمریکا تحفه دیگری هم برای‌مان آورد و آن حمله مشترک نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران بود.

حالا فکر می‌کنید پس از این تجربه تلخ، دولتمردان ما چه نتیجه‌ای گرفته‌اند؟! هیچ چیز از طنز این ماجرا نمی‌کاهد که آنها به این نتیجه رسیده‌اند که باید با اروپا مذاکره کنند! آنها برای بار سوم مسیری را انتخاب کرده‌اند که پیش‌تر تا انتهایش را رفته و سرشکسته بازگشته بودند. این انتخاب با هیچ تعریفی از عقلانیت و واقع‌بینی سازگاری ندارد و این زیبنده نظام جمهوری اسلامی ایران نیست که دولتمردانش به امید واهی، سال‌ها هروله‌کنان بین اروپا و آمریکا در رفت و آمد باشند. درسی که در تمام این سال‌ها باید می‌گرفتیم خیلی ساده است؛ دور باطل مذاکره با اروپا و آمریکا صد بار دیگر هم که تکرار شود، نتیجه‌اش همان است که رهبر انقلاب فرمود: «همه بدانند- مذاکره با رژیم زورگو و پُرتوقّعی مثل آمریکا، وسیله‌ای برای رفع دشمنی نیست؛ مذاکره، وسیله‌ای برای رفع دشمنیِ آمریکا نیست بلکه مذاکره، ابزاری در دست او برای اعمال دشمنی است... بعضی می‌گویند مذاکره کنیم تا دشمنی کم بشود؛ نه، مذاکره دشمنی را کم نمی‌کند، مذاکره یک وسیله‌ای به او می‌دهد تا اعمال دشمنیِ بیشتری بکند.» (۲۲ مرداد ۱۳۹۷)

«از اروپا قطع امید بکنید. اَروپا جایی نیست که ما بتوانیم برای مسائل گوناگون خودمان از جمله همین مسئله برجام و مسائل اقتصادی و مانند اینها به آنها امید ببندیم؛ نه، اینها کاری نخواهند کرد؛ قطع امید [بکنید].» (۷ شهریور ۱۳۹۷)

«اگر هدف از مذاکره رفع تحریم است، مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد؛ یعنی تحریم‌ها را برنمی‌دارد، [بلکه] گره تحریم‌ها را کورتر خواهد کرد؛ فشار را افزایش خواهد داد. مذاکره با این دولت، فشار را افزایش خواهد داد.» (۲۲ اسفند ۱۴۰۳)

تاریخ باز هم به ما درس می‌دهد اما کوتاهی دولتمردان ما در عبرت گرفتن از این درس‌ها، هزینه تحمیل شده به ایران را هر بار بیشتر می‌کند. آخرین هزینه‌ای که ما پرداختیم، شهادت فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان برجسته هسته‌ای، نزدیک به ۱۰۰۰ غیرنظامی و تخریب بخشی از تأسیسات نظامی و هسته‌ای‌مان بود.

سید محمدعماد اعرابی

تخت‌روانچی:

غنی‌سازی باید در داخل ایران ادامه یابد

معاون سیاسی وزارت امور خارجه در تشریح نشست استانبول با سه کشور اروپایی گفت که ضمن انتقاد به مواضع این کشورها در قبال تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا و همچنین بحث مکانیسم ماشه، بر ادامه غنی‌سازی در داخل خاک ایران تأکید شد.

مجید تخت‌روانچی معاون سیاسی وزارت امور خارجه که روز جمعه سوم مردادماه به همراه کاظم غریب‌آبادی در ششمین دور مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی در سطح معاونان درباره موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها در استانبول شرکت کرد، به تشریح رایزنی‌های انجام شده پرداخت.

تجاوز اسرائیل و آمریکا خلاف حقوق بین‌الملل و منشور

وی عنوان کرد: نشست امروز در سطح معاونان با سه کشور اروپایی برگزار شد و این نشست در ادامه مباحث قبلی است که هر چند وقت یک بار درباره موضوع هسته‌ای صحبت می‌کنیم. در فاصله این نشست با نشست قبلی شاهد تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه کشورمان بودیم و طبیعی بود که در این جلسه به تفصیل در این خصوص صحبت و مواضع خود را بیان کنیم که این کاری که رژیم صهیونیستی و آمریکا صورت دادند، خلاف حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد بود و با هیچ کدام از معیارهای بین‌المللی سازوگار نبود. ما این موارد را تشریح کردیم و انتقاداتی هم به مواضع این کشورها درباره این تجاوز آشکار به ایران، داشتیم.

مکانیسم ماشه

این دیپلمات ارشد ایرانی با ذکر این نکته که در مورد بحث بازگشت تحریم‌ها و مکانیسم ماشه صحبت‌هایی از سوی برخی از این کشورها در این مدت مطرح شده بود، اظهار داشت: به صورت واضح نظرات و مخالفت خود را در این خصوص اعلام کردیم.

معاون سیاسی وزارت امور خارجه به نامه اخیر سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه به دبیرکل سازمان ملل، رئیس شورای امنیت و اعضای این شورا و همچنین کایا کالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اشاره کرد و گفت: وزیر امور خارجه اخیرا نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل نوشت و مواضع حقوقی ما را در این زمینه تشریح کرد مبنی بر اینکه این کشورها نمی‌توانند به مکانیسم ماشه متوسل شوند و نظرات خود را روشن و صریح بیان کردیم و این نامه الان در سازمان ملل ثبت شده و در اختیار اعضای شورای امنیت قرار دارد و ما در نشست امروز در این خصوص به صراحت مواضع خود را بیان کردیم.

تخت‌روانچی همچنین به موضوع غنی‌سازی هم اشاره و بیان کرد: در مورد حقوق‌مان در چارچوب معاهده ان.پی.تی (منع اشاعه هسته‌ای) و از جمله درخصوص غنی‌سازی بود هم صحبت کردیم و اینکه غنی‌سازی جزو حقوق ماست و باید در داخل ایران کماکان ادامه داشته باشد.

وی همچنین عنوان کرد: بحث رفع تحریم‌ها و اینکه تحریم‌های ظالمانه هر چه زودتر باید رفع شود هم از دیگر مباحثی بود که در نشست امروز مطرح کردیم.

غریب‌آبادی درباره نشست استانبول: مواضع خود درباره اسنپ‌بک را توضیح دادیم

کاظم غریب‌آبادی معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه روز (جمعه) سوم مردادماه و پس از دور ششم مذاکرات ایران و ۳ کشور اروپایی با حضور معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که در استانبول برگزار شد، به تشریح رایزنی‌های انجام شده پرداخت.

وی در این باره گفت: مجید تخت‌روانچی (معاون سیاسی وزارت امور خارجه) و من گفت‌وگویی جدی، صریح و مفصل با مدیران سیاسی سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا داشتیم.

معاون وزیر خارجه بیان کرد: آخرین تحولات مربوط به لغو تحریم‌ها و موضوع هسته‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

انتقاد جدی از مواضع سه کشور درباره تجاوز نظامی اسرائیل

وی درباره این نشست که با حضور مدیران کل سیاسی سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس و معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در محل سرکنسولگری ایران در استانبول برگزار شد، افزود: ضمن انتقاد جدی از مواضع آنها در مورد جنگ تجاوزکارانه اخیر علیه مردم ما، مواضع اصولی خود، از جمله در مورد مکانیسم موسوم به اسنپ‌بک (مکانیسم ماشه) را توضیح دادیم.

غریب‌آبادی که در هفته گذشته سفری به نیویورک داشت در خبرنگاران آمریکایی در این باره گفت: «از نظر ما، این یک اقدام کاملا غیرقانونی است اگر بخواهند انجام بدهند. بحث مکانیسم ماشه، هیچ جایگاهی واقعا از نظر حقوقی ندارد. هفت سال است برجام اجرا نمی‌شود و کشورهای اروپایی تعهدات خود را بعد از خروج آمریکا از برجام متوقف کردند. الان می‌خواهند مدعی چه بشوند؟ بگویند ایران چه را اجرا نکرد؟ مگر خودشان برجام را اجرا کردند که حالا بخواهند مطالبه تعهدات جمهوری اسلامی ایران را بکنند؟ مخاطرات چنین اقدامی را قبلا گفته‌ایم و مجددا توضیح خواهیم داد، اما در هر صورت تلاش ما بر این خواهد بود که ببینیم به چه راهکارهای مشترکی می‌توانیم برسیم که وضعیت را مدیریت کنیم.»

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت امور خارجه هم پیش از این در پاسخ به سؤالی، موضع ایران در این نشست را مطالبه گرایانه خوانده و گفته بود: حتما به صورت جدی مطالباتمان را مطرح خواهیم کرد و کشورهای اروپایی باید به خاطر مواضع ناشایستی که در جریان تجاوز نظامی این رژیم و آمریکا اتخاذ کردند، پاسخگو باشند.

غریب‌آبادی همچنین بیان کرد: هر دو طرف با ایده‌های مشخصی به جلسه آمدند که جنبه‌های مختلف آن مورد بررسی قرار گرفت.

وی همچنین گفت: توافق شد که رایزنی‌ها در این مورد ادامه یابد.

ششمین دور مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و انگلیس و معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا روز جمعه سوم مرداد ماه در استانبول و در سطح معاونان و مدیران کل سیاسی برگزار شد.

۲۶ اردیبهشت‌ماه نیز استانبول میزبان پنجمین دور مذاکرات ایران و سه کشور اروپایی در سطح معاونان بود. چهار نشست قبلی نیز در نیویورک و ژنو (یک دور نیویورک و سه دور در ژنو) برگزار شد. ژنو یک دور هم در سطح وزرای خارجه در ۳۰ خردادماه و در میانه حملات رژیم صهیونیستی علیه ایران میزبان این مذاکرات بود.

فایننشال‌تایمز: اروپا تعلیق موقت تحریم‌های ایران را بررسی می‌کند

در آستانه برگزاری دور تازه مذاکرات ایران و کشورهای اروپایی در استانبول، روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز به نقل از منابع آگاه گزارش داد، کشورهای اروپایی درگیر در حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران(بریتانیا، آلمان و فرانسه) آماده‌اند در صورت موافقت تهران با ازسرگیری گفت‌وگو با ایالات متحده آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، تعلیق موقت تحریم‌های ایران را بررسی کنند.

بر اساس این گزارش، تعلیق پیشنهادی برای چند ماه ادامه خواهد داشت و منوط به تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت سازمان ملل است.

این گزارش افزود، هرگونه کاهش تحریم‌ها مشروط به مشارکت ایران در مذاکرات با واشنگتن و همکاری با بازرسان آژانس خواهد بود.

جزئیات بیشتری از این طرح هنوز فاش نشده است.

وال‌استریت‌ژورنال: پیشرفت یا شکست بزرگی در گفت‌وگوهای استانبول رخ نداد

«لارنس نورمن» خبرنگار وال‌استریت ژورنال روز جمعه در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس به نقل از یک دیپلمات اروپایی نوشت: «هیچ پیشرفت یا شکست بزرگی در مذاکرات امروز رخ نداد. گفت‌وگویی معنادار با ایران انجام گرفت که در آن پیشنهاد مشخصی از سوی تروئیکای اروپایی و اتحادیه اروپا برای پیگیری مسیر دیپلماتیک ارائه شد.»

وی در ادامه نوشت: «تروئیکای اروپایی آماده استفاده از مکانیسم ماشه است اما اگر ایران گام‌هایی را اتخاذ کند، حاضر به تمدید مهلت آن است. ایران این پیشنهاد را رد نکرده است.»

نورمن ادعا داشت: «تا دیروز دیپلمات‌های اروپایی بر این باور بودند که ایران هیچ علاقه‌ای به تمدید مهلت نشان نمی‌دهد اما امروز این رویکرد دچار تغییراتی شده است.»

خبرنگار رسانه آمریکایی با تاکید بر اینکه این پیشنهاد تاکنون از سوی ایران رد نشده عنوان کرد که احتمالا گفت‌وگوهایی درخصوص جزئیات این تمدید مهلت انجام بگیرد.

وی در انتها تاکید کرد: «این موضوع با حدس من همخوانی دارد و آن این است که تصمیم‌گیری درباره تمدید مهلت تا پایان ماه اوت –به‌رغم همه پیچیدگی‌ها –احتمالا به واقعیت تبدیل شود.»

گفت و شنود

نخورده بود!

گفت: یادته غربگراها برای مذاکره با آمریکا چه سوت و کفی می‌زدند و ادعا می‌کردند که از طریق مذاکره سایه جنگ را دور کرده‌اند؟!

گفتم: بر منکرش لعنت! تازه به همه کسانی که آمریکا را غیرقابل اعتماد می‌دانستند نیز حمله می‌کردند و آنها را نابلد و جنگ‌طلب می‌دانستند!

گفت: حالا که معلوم شده مذاکره تله و فریب بوده و آمریکا در حال مذاکره به رژیم صهیونیستی دستور حمله نظامی به ایران داده و خودش هم به تأسیسات هسته‌ای کشورمان حمله کرده و... نظرشان چیست؟!

گفتم: حالا از ترفند فرار به جلو استفاده می‌کنند و اصلاً هم به روی خودشان نمی‌آورند که چقدر از درک مسائل ناتوانند و برخلاف آن‌همه ادعا چقدرنابلد و بی‌سوادند!

گفت: ولی فرار به جلو هم درک و سواد می‌خواهد. که دارند!

گفتم: ایول! یارو پُز تاریخدانی می‌داد و می‌گفت نام گرگی که حضرت یوسف(ع) را خورده بود، «سریحا» بود! گفتند؛ ولی حضرت یوسف(ع) را گرگ نخورده بود و یارو گفت؛ آره ببخشید سریحا نام گرگی بود که حضرت یوسف(ع) را نخورده بود!

بقایی:

جنایتکاران بی‌رحم صهیونیست را باید مهار کرد

سخنگوی وزارت امور خارجه در حالی که جنایات صهیونیست‌ها در غزه و کرانه باختری در سکوت آمریکا و متحدان غربی‌اش همچنان ادامه دارد، گفت: جنایتکاران بی‌رحم را باید مهار کرد و به بی‌کیفرمانی آنها پایان داد.

در حالی که وضعیت فاجعه‌بار انسانی در غزه همچنان ادامه دارد، سخنگوی وزارت امور خارجه اسماعیل بقایی روز پنجشنبه دوم مردادماه در پیامی بر ضرورت اقدام عاجل برای جلوگیری از کشتار دسته‌جمعی مردم غزه و پایان دادن به بی‌کیفرمانی جنایتکاران صهیونیست تأکید کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه در همین ارتباط در پیام‌هایی به زبان‌های انگلیسی و عربی در شبکه ایکس با اشاره به تشدید نسل‌کشی و اوضاع فاجعه‌بار انسانی در غزه با حمایت همه‌جانبه غرب از رژیم صهیونیستی که تاکنون قریب به ۶۰ هزار نفر در این باریکه به شهادت رسیده‌اند، نوشت: رژیم صهیونیستی با استفاده از تسلیحات ساخت غرب به کشتار ادامه می‌دهد، با همراهی غرب غزه را دچار قحطی و گرسنگی می‌کند، با وتوهای آمریکا و پشتیبانی غرب از هرگونه پاسخگویی و بازخواست مصون نگاه داشته می‌شود. وی در حالی که کمیسر کل «آنروا» امروز عنوان کرده که از هر پنج کودک در شهر غزه، یک نفر دچار سوءتغذیه است، افزود: همین الان هم بسیار دیر است. نفاق و بی‌عملی و حرف‌های توخالی بس است. مسئولیت مشترک همه ماست که برای نجات و جلوگیری از امحای دسته‌جمعی مردم مظلوم غزه بر اثر گرسنگی و تشنگی همین اکنون اقدام کنیم.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی عنوان کرد: جنایتکاران بی‌رحم را باید مهار کرد و به بی‌کیفرمانی آنها پایان داد. در پی محاصره غزه بسیاری از کودکان دچار سوء تغذیه شده‌اند، آنچنان‌که فیلیپه لازارینی کمیسر کل «آنروا» دیروز پنجشنبه با بیان اینکه از هر پنج کودک در شهر غزه، یک نفر دچار سوءتغذیه است، گفت که در صورت عدم دریافت درمان فوری مورد نیاز، در خطر مرگ قرار دارند.

از سوی دیگر در پی ادامه حملات صهیونیست‌ها جمع زیادی از ساکنان باریکه غزه شهید و مجروح شده‌اند. براساس اعلام امروز وزارت بهداشت غزه از ۱۳ اسفند ۱۴۰۳ که اسرائیل توافق آتش‌بس را نقض کرده، تاکنون هشت هزار و ۴۴۷ نفر شهید و ۳۱ هزار و ۴۵۷ نفر هم زخمی شدند.

این جنایات در سایه حمایت‌های آمریکا و تعدادی از کشورهای غربی و سکوت در قبال این نسل‌کشی آشکار صورت می‌گیرد.

خبر ویژه

موج انفجار پالایشگاه حیفا تا عمق دولت اسرائیل رفت

شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی پس از یک ماه سانسور شدید، گوشه‌ای از خسارات و ویرانی‌های گسترده‌ای که در اثر حملات موشکی ایران به پالایشگاه حیفا وارد شده، منتشر کرد.

این شبکه در گزارشی گفت: در سایه مه جنگ، خسارات آتش‌سوزی در پالایشگاه‌ها از آغاز جنگ با ایران پنهان نگاه داشته شد. ضربه بسیار شدید به ایستگاه تولید برق وارد شد، این همان ساختمانی‌ست که مقابل ما می‌بینید. آن دو دودکش بخشی از ایستگاه تولید برق هستند؛ دیگ‌های بخار. در واقع، این همان چیزی بود که انرژی مورد نیاز تمام کارخانه‌ها را تأمین می‌کرد. اینها همان ساختمان‌هایی هستند که در محوطه ایستگاه تولید برق منفجر شدند؛ اینجا پل اصلی لوله‌کشی است که مواد را بین بخش‌های مختلف کارخانه منتقل می‌کرد؛ و اینجا هم محوطه عملیاتی تانکرهای فرآورده‌های نفتی است.

این سه برخورد، باهم، پالایشگاه بازان را به طور کامل از کار انداخت. این کارخانه یکی از تنها دو پالایشگاه اسرائیل است که بنزین، گازوئیل، سوخت جت هواپیما و حتی گاز آشپزی خانگی تولید می‌کرد.

روز قبل از وقوع این حادثه، وزیر حفاظت از محیط‌زیست در محل حضور داشت، و من برای او سناریویی را ترسیم کردم که نمی‌دانستم فردایش دقیقاً همان اتفاق خواهد افتاد. گفتم یک ضربه مستقیم خواهد بود، و دشمن دقیقاً می‌داند کجا را بزند؛ و اینکه هدفش هم آلوده‌سازی است و هم آتش‌سوزی و دقیقاً همان کاری را روز بعد انجام داد.

ضربه به ایستگاه تولید برق به صورت ناگهانی تمام تولید برق و بخار پالایشگاه را از کار انداخت، و همه تأسیسات فلج شدند. پالایشگاه کاملاً از کار افتاده است

در حال حاضر، خطر بازان نه‌فقط در محوطه تولید در حیفا، بلکه در اتاق جلسات دولت در اورشلیم (قدس) هم منفجر شده است.

در خلال عملیات بازسازی، آلودگی هوای محوطه فقط بیشتر شده. با توجه به الگوی جریان باد در منطقه، کل کلان‌شهر اطراف، با جمعیتی بیش از یک میلیون نفر، در خطر استنشاق هوای آلوده‌تر قرار دارد. مردم منطقه در هفته‌های اخیر تماس گرفته و می‌گویند احساس سوزش چشم و بوهای سنگین را دارند.

وزارت انرژی هشدار داده اگر در آینده نزدیک تعمیرات انجام نشود، سوختی برای آمبولانس‌ها، کامیون‌های یخچال‌دار، اتوبوس‌ها و حتی کامیون‌های ارتش وجود نخواهد داشت. بازان در عمل تعطیل شده. پالایشگاه بازان در یک روز، نه به دست ما، نه به دست دولت، بلکه توسط ایران از کار افتاد. حالا ما سر دوراهی هستیم: آیا باید صدها میلیون شِکِل و ماه‌ها زمان صرف کنیم برای بازسازی، یا به تصمیم دولت پایبند باشیم و روند تخلیه را تسریع کنیم؟

در حال حاضر ما انبارهای اضطراری سوخت داریم که می‌توانیم از آنها استفاده کنیم، راه‌حل کوتاه‌مدت ما همین است. ولی در کارخانه‌ای که برای تخلیه تعیین شده، هشدار می‌دهند که تحریم‌های بین‌المللی یا جنگی دیگر ممکن است عرضه سوخت را متوقف کند و بنابراین حفظ تولید داخلی اهمیت حیاتی دارد.

اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. به دلیل کمبود نیروی انسانی، بندر حیفا از پذیرش کشتی حامل تجهیزات بازسازی پالایشگاه بازان خودداری کرد

در آغاز هفته، کشتی‌ای با ۲۰۰ تُن لوله که برای بازسازی پالایشگاه «بازان» در حیفا در نظر گرفته شده بود، به بنادر رسید.

با وجود آنکه بار این کشتی به عنوان محموله‌ای اضطراری طبقه‌بندی شده بود، بندر حیفا از پذیرش آن امتناع کرد، و کشتی به بندر کارخانه کشتی‌سازی اسرائیل در نزدیکی منتقل شد. (۲۰۰ تُن لوله یعنی بالای دو کیلومتر لوله و... این یعنی لوله‌های بازان حسابی آسیب دیده است.)

در آن زمان، در بندر حیفا فقط سه کشتی در صف تخلیه بودند، و طبق دستور اداره کشتیرانی و بنادر، کشتی مزبور باید اولویت تخلیه دریافت می‌کرد. اما مسئولان بندر حیفا اعلام کردند که به دلیل کمبود شدید نیروی انسانی، قادر به پذیرش کشتی نیستند، و آن را به بندر مجاور ارجاع دادند جایی که ۳۸ کشتی دیگر در صف تخلیه بودند.

با اینکه بندر مجاور در ۵ اسکله به طور همزمان فعالیت می‌کند و این تخلیه در شیفت شب انجام شد (برای کاهش اثر بر صف کشتی‌ها)، بسیاری از واردکنندگان از این تصمیم خشمگین شدند. ولی چرا باید ۳۸ کشتی دیگر معطل شوند؟ چرا از بندر حیفا نمی‌خواهند نیروی انسانی بیشتری استخدام کند؟

واردکنندگان مدعی شدند بندر حیفا به‌جای تخلیه کالاهای ضروری مانند حبوبات، آهن و سوخت، فضای کانتینری خود را برای انبار کردن خودروها اختصاص داده چون سود بیشتری دارد. درخواست بندر از دولت، اجازه برداشت از صندوق ۲/۸ میلیارد شِکِلی برای بازپرداخت بدهی‌هاست.

فارین پالیسی: ترامپ با این حماقت‌ها پیروز نمی‌شود

تغییرات اخیر ترامپ در سیاست خارجی، چه در قبال روسیه، چین، ناتو یا خاورمیانه، با وعده‌های قبلی او در تضاد است و حتی وفادارانش را سردرگم کرده است. این سیاست خارجی آمریکا را به بی‌ثبات‌ترین و پرآشوب‌ترین دوران خود رسانده است.

استفان والت سردبیر نشریه تخصصی فارین پالیسی در این باره نوشت: دولت ترامپ و حامیان سرسخت جنبش ماگا با لحظاتی عجیب و کم‌سابقه روبه‌رو شده‌اند. منظور، تنها رسوایی جفری اپستین نیست که حتی برخی از وفاداران دوآتشه این جریان سیاسی را واداشته تا نسبت به مدیریت پرحاشیه و پرفراز و نشیب خود تردیدهایی پیدا کنند؛ بلکه، تغییرات اخیر در سیاست خارجی ترامپ است که به‌وضوح فاصله قابل‌توجهی از مواضع گذشته او گرفته است. برخلاف وعده‌های انتخاباتی سال ۲۰۲۴، که مدعی بود ظرف ۲۴ ساعت با رئیس‌جمهور روسیه به توافق خواهد رسید و به جنگ اوکراین پایان خواهد داد یا کمک‌های آمریکا به کی‌یف را به‌طور کامل قطع خواهد کرد، ترامپ اکنون وعده ارسال کمک‌های نظامی بیشتر به اوکراین را داده و حتی ولودیمیر زلنسکی را به حمله مستقیم به مسکو تشویق کرده است؛ توصیه‌ای که پس از رسانه‌ای شدن، ناگزیر به عقب‌نشینی از آن شد.

همچنین، برخلاف توصیه‌هایی مانند خروج از اروپا و تمرکز بر آسیا؛ ترامپ اخیراً نشانه‌هایی از علاقه مجدد به ناتو نشان داده است. در قبال خاورمیانه نیز، اگرچه همچنان رویکرد انزواگرایانه را به‌طور کامل کنار نگذاشته، اما ماه گذشته به درخواست تل‌آویو وارد جنگ با ایران شد؛ عملیاتی که نهایتاً ناکام ماند. این اقدام با استقبال نومحافظه‌کاران مخالف ترامپ همچون بیل کریستول روبه‌رو شد و در مقابل، موجب ناامیدی هواداران پیشین نظیر تاکر کارلسون گردید. در عرصه فناوری نیز، ترامپ به‌تازگی مجوز ازسرگیری فروش تراشه‌های پیشرفته شرکت انویدیا به چین را صادر کرده؛ تصمیمی که نشانه‌ای از عقب‌نشینی نسبی در سیاست محدودیت فناوری علیه پکن ارزیابی می‌شود.

در عین حال، ترامپ همچنان انتقام‌گیری از دشمنان شخصی را در اولویت قرار داده، نشانه‌های روزافزون زوال شناختی از خود بروز می‌دهد و هدایت فاسدترین دولت تاریخ آمریکا را برعهده گرفته است. اما این تغییر مسیر را چگونه باید تبیین کرد؟ دست‌کم سه سناریو محتمل به نظر می‌رسد.

یکی از توضیحات روشن برای این ت